



## The Mediating Role of Suicidal Ideation in the Relationship Between Parenting Styles, Basic Psychological Needs and Perceived Burdensomeness with Non-Suicidal Self-Injury among Adolescents

Arezoo Valinezhad<sup>1</sup> , Hossein Rezabakhsh<sup>2\*</sup> , Mohtaram Nemattavousi<sup>3</sup> , Adis Kraskian Mujembari<sup>4</sup> 

1. Department of psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: [arezoovali@yahoo.com](mailto:arezoovali@yahoo.com)
2. Corresponding Author, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: [hrezabakhsh@alzahra.ac.ir](mailto:hrezabakhsh@alzahra.ac.ir)
3. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [m\\_nemattavousi@azad.ac.ir](mailto:m_nemattavousi@azad.ac.ir)
4. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: [adis.kraskian@kiaau.ac.ir](mailto:adis.kraskian@kiaau.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received: 2 May 2022  
Revised: 30 May 2022  
Accepted: 5 Jul 2022  
Published Online: 20 Apr 2024

**Keywords:**  
*Basic Psychological Needs, Non-Suicidal Self-Injury, Parenting Styles, Perceived Burdensomeness, Suicidal Ideation.*

### ABSTRACT

The objective of this study was to investigate the potential mediating effect of suicidal ideation on the relationship between parenting styles, fundamental psychological needs, and adolescents' perceived burdensomeness with non-suicidal self-injury. The research study utilized a descriptive-correlational approach to examine a sample of 420 high school students (188 male and 232 female) selected through cluster random sampling from a larger population of 224,400 male and female high school students in Tehran during the 2019-2020 academic year. Beck Scale for Suicide Ideation (BSSI), Self-Harm Inventory (SHI), Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S), Parents as Social Context Questionnaire (PASCQ), and Interpersonal Needs Questionnaire (INQ) were among the instruments utilized. Pearson's correlation coefficient and structural equation modeling were implemented in SPSS-23 and Amos-23 statistical software, respectively, to analyze the data. Suicidal ideation mediated a significant indirect effect of parenting styles, fundamental psychological needs, and perceived burdensomeness on non-suicidal self-injury, according to the results of structural equation modeling. An additional 44% of the variance in suicidal ideation could be attributed to perceived burdensomeness, fundamental psychological requirements, and parenting styles. Furthermore, a combination of parental styles, fundamental psychological needs, perceived burdensomeness, and suicidal ideation accounted for 35% of the variability observed in non-suicidal self-injury. These results suggest that fostering appropriate parenting styles, the satisfaction of fundamental psychological needs, the reduction of perceived burdensomeness, and the addressing of suicidal ideation in adolescents could effectively mitigate non-suicidal self-injury.

**Cite this article:** Valinezhad, A., Rezabakhsh, H., Nemattavousi, M., & Kraskian Mujembari, A. (2024). The Mediating Role of Suicidal Ideation in the Relationship Between Parenting Styles, Basic Psychological Needs and Perceived Burdensomeness with Non-Suicidal Self-Injury among Adolescents. *Journal of Applied Psychological Research*, 15(1), 91-114. doi: 10.22059/japr.2024.342474.644251.



**Publisher:** University of Tehran Press  
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2024.342474.644251>

© The Author(s).



## نقش واسطه‌ای ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین و ادراک سربار بودن با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا در نوجوانان

آرزو والی نژاد<sup>۱</sup>، حسین رضابخش<sup>۲\*</sup>، محترم نعمت‌طاوسی<sup>۳</sup>، آدیس کراسکیان موجمناری<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه: [arezoovali@yahoo.com](mailto:arezoovali@yahoo.com)

۲. نویسنده مسؤل، استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [hrezabakhsh@alzahra.ac.ir](mailto:hrezabakhsh@alzahra.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: [m\\_nemattavousi@azad.ac.ir](mailto:m_nemattavousi@azad.ac.ir)

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه: [adis.kraskian@kiau.ac.ir](mailto:adis.kraskian@kiau.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین و ادراک سربار بودن با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا انجام شد. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۲۲۴،۴۰۰ نفر بود. در این میان ۴۲۰ نفر (۱۸۸ مرد و ۲۳۲ زن) به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک (BSSI)، سیاهه آسیب به خود (SHI)، پرسشنامه بافت اجتماعی والدین (سبک‌های والدگری) (PASCQ)، مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (BNSG-S) و پرسشنامه نیازهای بین‌فردی (INQ) بود. داده‌ها به روش محاسبه ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری به‌وسیله نرم‌افزارهای آماری SPSS-23 و Amos-23 تحلیل شدند. نتایج معادلات ساختاری نشان داد سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و ادراک سربار بودن با واسطه ایده‌پردازی خودکشی بر جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا اثر غیرمستقیم و معنادار دارند. ۴۴ درصد از واریانس ایده‌پردازی خودکشی از طریق سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین و ادراک سربار بودن تبیین‌پذیر است. همچنین سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین، ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی ۳۵ درصد از واریانس جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا را تبیین کردند. براساس نتایج، سبک‌های والدگری مناسب، ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین، کاهش ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در نوجوانان می‌تواند نقش مؤثری در کاهش جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا داشته باشد.

### نوع مقاله:

پژوهشی

### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

### کلیدواژه‌ها:

ادراک سربار بودن، ایده‌پردازی خودکشی، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا، سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین

**استناد:** والی نژاد، آ.، رضابخش، ح.، نعمت‌طاوسی، م.، و کراسکیان موجمناری، آ. (۱۴۰۳). نقش واسطه‌ای ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین و

ادراک سربار بودن با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا در نوجوانان. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۵(۱)، ۹۱-۱۱۴.

doi: 10.22059/japr.2024.342474.644251

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2024.342474.644251>

© نویسندگان.



## ۱. مقدمه

نوجوانی<sup>۱</sup> یک دوره گذار از کودکی به بزرگسالی است که طی آن نوجوانان تحت فشارهای جسمانی، شناختی، اجتماعی و هیجانی قرار می‌گیرند (ژان و چوی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). گاهی نوجوانان در مواجهه با این فشارها دچار آشفتگی<sup>۳</sup> می‌شوند و برای رهایی از این آشفتگی‌ها به خود آسیب می‌رسانند؛ به طوری که بعضی از نوجوانان از جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا<sup>۴</sup> به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای سازش‌نیافته<sup>۵</sup> برای حل مشکلات خود استفاده می‌کنند (واتیلاک و سلکمن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا شامل رفتارهایی است که به‌صورت عمدی بدون قصد خودکشی توسط خود فرد با هدف آسیب به بافت‌های بدن انجام می‌شود، مانند بریدن، کوبیدن، گازگرفتن، شکستن استخوان‌ها، رفتارهای پرخطر، اختلالات خوردن<sup>۷</sup> و سوءمصرف قرص غیرخودکشی‌گرا<sup>۸</sup> (گراتز و چاپمن<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹؛ لایه-گیندو و شونرت-ریچل<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵؛ لیود-ریچاردسون و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۰؛ واتیلاک و سلکمن، ۲۰۱۴؛ هولندر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۷) و از آداب‌ورسوم فرهنگی فرد به‌شمار نمی‌آید (کلایس و موهلکامپ<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۶؛ ناک و پریتستاین<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۴). این رفتارها یک پدیده رایج و رو به افزایش در میان نوجوانان است (استورکل و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۲۱؛ استیو و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۶؛ ملهوم و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۶) و بر همین اساس به‌عنوان اختلال نوجوان بعدی<sup>۱۸</sup> نام‌گذاری شده است (واتیلاک و سلکمن، ۲۰۱۴). شیوع جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در پژوهش‌های مختلف بسیار متغیر است و در نوجوانان و بزرگسالان، دامنه شیوع آن از ۷ تا ۶۶ درصد گزارش شده است (سیمونی و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۸). میانگین شیوع جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در میان نوجوانان ۱۲ تا ۵۶ درصد (موهلنکامپ و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۲) و در نمونه بالینی نوجوانان ۲۰ تا ۸۰ درصد گزارش شده است (فرارا، ترینونی و ویلیامز<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۲؛ کارا و همکاران<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۵؛ کروتی، کالابرس و والسسترو<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۴). مطالعات طولی نشان داده است جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا حتی پس از کنترل سابقه رفتارهای خودکشی، اقدام به خودکشی را در آینده پیش‌بینی می‌کند (حمزه، استوارت و ویلوقبی<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۲). اسوانل و همکاران<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه خود نشان دادند جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا با افزایش سن کاهش می‌یابد که میزان آن در نوجوانان ۱۷/۲ درصد، اوایل بزرگسالی ۱۳/۴ درصد و بزرگسالی ۵/۵ درصد است. روند کاهش را با میزان بالای مرگ‌ومیر در افراد مبتلا به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا به‌دلیل خودکشی، سایر رفتارهای خطرناک مانند سوءمصرف مواد، رفتارهای جنسی پرخطر و عادات غذایی نامناسب توضیح داده‌اند (سیپریانو، کلا و کوتروفو<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۷). براساس نظریه سه گام خودکشی<sup>۲۷</sup>، قرارگرفتن فرد در معرض درد مرتبط با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا، او را به درد و

1. adolescence
2. Jun & Choi
3. distress
4. non suicidal self-injury
5. maladaptive
6. Whitlock & Selekman
7. eating disorders
8. non suicidal pill abuse
9. Gratz & Chapman
10. Laye-Gindhu, & Schonert-Reich
11. Liody-Richardson et al
12. Hollander
13. Claes & Muehlenkamp
14. Nock & Prinstein
15. Störkel et al.
16. Steuwe et al.
17. Mehlum et al.
18. next teen disorder
19. Simioni et al.
20. Muehlenkamp et al.
21. Ferrara, Terrinoni, & Williams
22. Kara et al.
23. Cerutti, Calabrese, & Valastro
24. Hamza, Stewart, & Willoughby
25. Swannell et al.
26. Cipriano, Cella, & Cotrufo
27. three-step theory of suicide

ترس عادت می‌دهد و فرد توانایی انجام سایر رفتارهای مرتبط با خودکشی را به دست می‌آورد (کلونسکی، سافر و بریان، ۲۰۱۸)؛ بنابراین در حال حاضر شناسایی و پیشگیری از این پدیده ناخوشایند روانی-اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اساسی مرکز درمانی و پژوهشی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۲</sup> جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را در بخش اختلالات نیازمند به تحقیق بیشتر مورد توجه قرار داده است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از افراد با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در گذشته تمایل به خودکشی داشتند (بورکه و همکاران،<sup>۳</sup> ۲۰۱۸؛ زینچوک و همکاران،<sup>۴</sup> ۲۰۲۰). بریان و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که اولاً جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا تقریباً همیشه قبل از اقدام به خودکشی ظاهر می‌شود و دوم آنکه در ۶۷ درصد موارد، ابتدا ایده‌پردازی خودکشی<sup>۶</sup> نمایان می‌شود و جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا بعد از آن صورت می‌گیرد. براساس مدل تحلیل کارکردی رفتار<sup>۷</sup> (ناک و پرنتاین، ۲۰۰۴) افرادی که با انگیزه دستیابی به تقویت منفی<sup>۸</sup> درونی، جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا انجام می‌دهند با احتمال بیشتری نشانه‌های افکار خودکشی و ناامیدی را تجربه می‌کنند؛ درحالی‌که نوجوانانی که با انگیزه‌های رسیدن به تقویت مثبت<sup>۹</sup> درونی جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا انجام می‌دهند، بیشتر از افسردگی رنج می‌برند و نوجوانانی که دارای سابقه قربانی‌شدن در گروه همسالان هستند، بیشتر با انگیزه‌های اجتماعی اقدام به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند (ناک،<sup>۱۰</sup> ۲۰۱۰).

خودکشی پیچیده و پیش‌بینی آن دشوار است. مانند بسیاری از پدیده‌های پیچیده، اولین پژوهش‌ها برخی عوامل را بدون در نظر گرفتن عوامل دیگر بررسی کرده‌اند؛ به عنوان مثال دورکیم<sup>۱۱</sup> (۱۸۹۷) فقط بر شکست در یکپارچگی (هم‌آمیزی) اجتماعی<sup>۱۲</sup>، هریس و باراکلو<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۷) بر بیماری‌های روانی، بک<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۷) بر ناامیدی و بامیستر، تیس و هاتون<sup>۱۵</sup> (۱۹۸۹) بر فرار از خودآگاهی ناخوشایند<sup>۱۶</sup> تأکید داشته‌اند. اخیراً مدل‌های یکپارچه عوامل و متغیرهای دیگر را هم در نظر می‌گیرند تا تصویری کامل‌تر از عوامل مؤثر ارائه شود. این مدل‌ها شامل مدل ایده به عمل<sup>۱۷</sup> (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵) مشتمل بر نظریه بین‌فردی (جوینر<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۵؛ ون‌آردن، وایت و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۰)، مدل نظریه سه‌مرحله‌ای خودکشی (کلونسکی و مای<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۵)، مدل نظریه آسیب‌پذیری پایه<sup>۲۱</sup> (برایان و رود<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۶) و مدل یکپارچه انگیزشی-ارادی<sup>۲۳</sup> است (اوکانر<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۱؛ اولسون و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۲۰۲۲).

براساس نظریه بین‌فردی (جوینر و همکاران<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۹) وقتی نوجوانان با ادراک منفی به خود از خودشان متفر باشند و خود را سربار جامعه، دوستان و خانواده ببینند احتمال بیشتری دارد که میلشان به خودکشی افزایش پیدا کند، ولی میل به خودکشی

1. Klonsky, Saffer, & Bryan
2. American Psychiatric Association (APA)
3. Burke et al.
4. Zinchuk et al.
5. Bryan et al.
6. suicidal ideation
7. functional analysis of behavior
8. negative reinforcement
9. positive reinforcement
10. Nock
11. Durkheim
12. social integration
13. Harris & Barraclough
14. Beck
15. Baumeister, Tice & Hutton
16. aversive self - awareness
17. ideation to action
18. Joiner
19. Van Orden, Witte et al.
20. Klonsky & May
21. Fluid Vulnerability Theory
22. Bryan & Rudd
23. Integrated Motivational - Volitional
24. O'Connor
25. Olson et al.
26. Joiner et al.

به‌تنهایی به اقدام به خودکشی منجر نمی‌شود، بلکه ظرفیت مکتسب خودکشی<sup>۱</sup> (جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا) را در افراد افزایش می‌دهد. در دو دهه گذشته، این نظریه با بررسی نمونه‌های بزرگسال از حمایت پژوهشی گسترده‌ای برخوردار شده است (ون‌آردن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ جوینر، ریبرو و سیلوا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها اخیراً نشان می‌دهد پیش‌بینی‌های نظریه ادراک سرباربودن<sup>۴</sup> قطعیت بیشتری دارد (استوارت و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷) و شواهد قابل توجهی ارتباط بین ادراک سرباربودن و ایده‌پردازی خودکشی در نوجوانان را تأیید می‌کند (اپرن و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵؛ هیل، دلبوستو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش بارزلیلی و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۵) نشان داده است ادراک سرباربودن و تعلق‌پذیری خنثی<sup>۹</sup> به ایده‌پردازی خودکشی و افزایش ظرفیت مکتسب خودکشی (جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا) منجر می‌شود.

خانواده، به‌ویژه والدین به‌عنوان یک عامل مهم در زمینه ایده‌پردازی خودکشی شناخته شده‌اند (ایهمدو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸؛ راحمه و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۵؛ کیانی‌چلمردی، هنرمندقوجه‌بگلو و خاکدال‌قوجه‌بگلو، ۱۳۹۶). سبک‌های والدگری<sup>۱۲</sup> در دوران نوجوانی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به‌طوری‌که سبک‌های والدگری نامناسب سبب ایجاد آثار مضر به‌خصوص ایده‌پردازی خودکشی می‌شود (سلطان و جاود<sup>۱۳</sup>، ۲۰۲۰؛ نونس و موتا<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۷). والدین با سبک‌های والدگری نامناسب، نوجوانان را طرد می‌کنند، برای فردیت وی ارزش قائل نمی‌شوند و فرصت انتخاب نمی‌دهند و بدون چرایی می‌خواهند نوجوانان فقط آنچه را که آن‌ها می‌خواهند انجام دهند (اسکینر، جانسون و اسنایدر<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۵). این فشارهای والدین به افزایش میل به خودکشی در نوجوانان منجر می‌شود (سلطان و جاود، ۲۰۲۰؛ نونس و موتا، ۲۰۱۷). طبق نظریه سه‌مرحله‌ای (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵) و مدل یکپارچه انگیزشی-ارادی (اوکانر، ۲۰۱۱) وقتی نوجوانان با والدین خود نتوانند ارتباط خوبی داشته باشند و پیوند آن‌ها با والدین و اعضای خانواده قطع شود، میل به خودکشی غیرفعال به ایده‌پردازی شدید تبدیل می‌شود و نوجوانان برای رهایی از این هیجانات منفی شروع به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵).

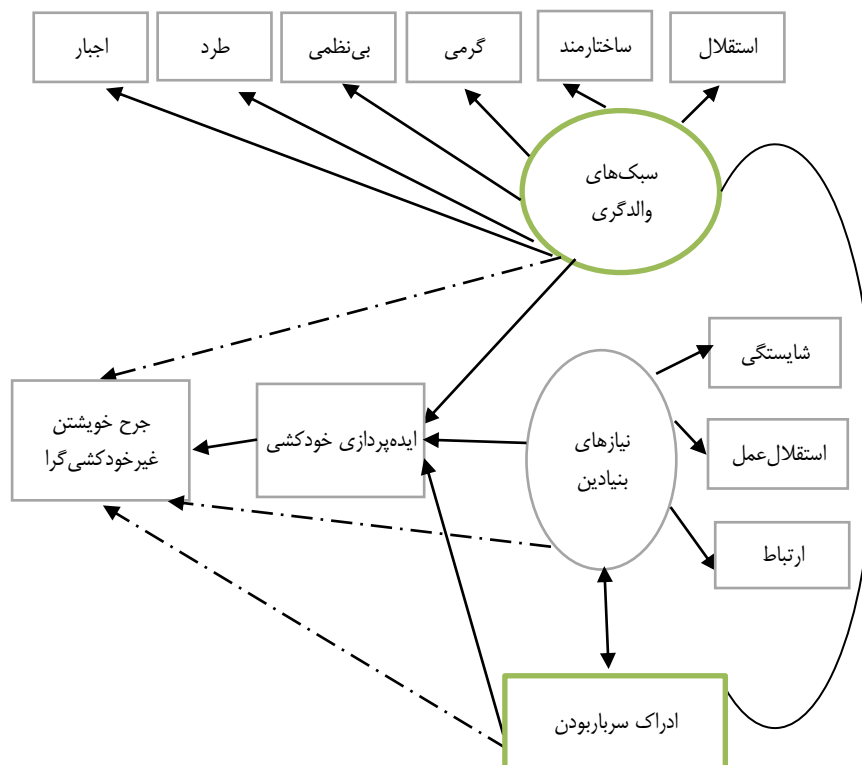
تأمین نیازهای بنیادین روان‌شناختی<sup>۱۶</sup> (استقلال عمل<sup>۱۷</sup>، شایستگی<sup>۱۸</sup> و ارتباط<sup>۱۹</sup>) به‌عنوان محافظی بین وقایع منفی زندگی و ایده‌پردازی خودکشی عمل می‌کند (رو و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۳). وقتی افراد براساس ارزش‌ها و باورهای خودشان عمل می‌کنند، تعاملات مناسبی دارند و احساس کارآمدی و اثربخشی می‌کنند، کمتر به خودکشی تمایل دارند (هیل و پتیت<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۳). نتایج فراتحلیل ان‌جی و همکاران<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۲) نشان داد سطوح بالای ادراک استقلال عمل و شایستگی می‌تواند افزایش رفتارهای سالم (مانند سالم‌خوری، ورزش، نشاط<sup>۲۳</sup>، کیفیت و رضایت از زندگی)، کاهش رفتارهای ناسالم (مانند سیگار کشیدن، سوء‌مصرف الکل) و کاهش افسردگی و اضطراب را پیش‌بینی کند. شرایط نامطلوب محیطی (بارو و مور<sup>۲۴</sup>، ۱۹۸۳) و ارضای ناکافی نیازهای

1. acquired capability for suicide
2. Van Orden et al.
3. Joiner, Ribeiro, & Silva
4. perceived burdensomeness
5. Stewart et al.
6. Opperman et al.
7. Hill, del Busto et al.
8. Barzilay et al.
9. thwarted belongingness
10. Ihemedu
11. Rahme et al.
12. parenting styles
13. Sultan & Javed
14. Nunes & Mota
15. Skinner, Johnson, & Snyder
16. basic psychological needs
17. autonomy
18. competence
19. relatedness
20. Rowe et al.
21. Hill & Pettit
22. Ng et al.
23. vitality
24. Barrow & Moore

روان‌شناختی بنیادین سبب ناسازگاری و آسیب‌شناسی روانی (دسی و رایان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ وانستینکیسته و رایان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) و آسیب‌پذیری زیستی و روان‌شناختی<sup>۳</sup> می‌شود (رایان و دسی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). این آسیب‌پذیری‌ها، احتمال بروز یک واکنش روانی نامطلوب (ایده‌پردازی خودکشی) در برابر فشار روانی را افزایش می‌دهد (اوکانر، ۲۰۱۱). افرادی که خود را مستقل و شایسته می‌دانند، سلامت جسمی و روانی بهتری دارند که این می‌تواند پادزهری برای حالت‌های خودکشی باشد، ولی افرادی که نیازهای روان‌شناختی بنیادین آن‌ها ارضا نشود، از لحاظ جسمی-روانی ضعیف‌تر می‌شود و پیامدهای منفی مانند ایده‌پردازی و رفتارهای خودکشی در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند (بریتون و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). بسیاری از عوامل شناسایی شده در ارتباط با شروع، نگهداری و پایان دادن به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا، به‌لحاظ مفهومی با استقلال عمل (نامعتبر بودن خانواده)، شایستگی (خودکارآمدی و حرمت خود) و ارتباط (حمایت) مرتبط است (گاریسچ و ویلسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است نوجوانانی که والدین آن‌ها از استقلال عمل آنان حمایت نمی‌کنند، مشکلات بیشتری در تنظیم هیجان‌های خود دارند و در نتیجه از جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا به‌عنوان یک راهبرد مقابله استفاده می‌کنند (امری، هیت و میلز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶؛ امری، هیت و راجرز<sup>۸</sup>، ۲۰۱۷).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان دریافت جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در نوجوانان و پیامدهای زیان‌بار و فراگیر آن یک مسئله مهم اجتماعی به‌شمار می‌رود و در پژوهش‌های متعددی کوشش شده است عوامل بروز و راهکارهای مناسب برای پیشگیری از آن شناسایی شود. با توجه به وجود جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در مدارس و زیان‌های جدی آن برای نوجوانان ایران، توجه مسئولان جامعه، والدین، روان‌شناسان و روان‌پزشکان به آن معطوف شده است؛ بنابراین لازم است سبک‌های والدگری و ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین و ادراک سرباربودن و نحوه اثرگذاری این متغیرها بر ایده‌پردازی خودکشی و درنهایت جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا مورد بررسی قرار گیرد؛ به‌نحوی که بتوان از این اطلاعات برای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه از جمله آموزش نحوه برخورد مناسب والدین با نوجوانان، فرهنگ‌سازی در جهت تغییر نگرش والدین و نوجوانان نسبت به ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین و تغییر ادراک نوجوانان نسبت به ارزشمندی خود استفاده کرد. درنهایت می‌توان با مطرح کردن برخی جهت‌گیری‌های احتمالی نظری برای نظریه‌پردازی در حوزه جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در ایران، حوزه‌های نوین پژوهشی را برای پژوهشگران علاقه‌مند ارائه کرد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که آیا ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین و ادراک سرباربودن نقش واسطه‌ای دارد. با توجه به مبانی نظری موجود درخصوص روابط متغیرهای پژوهش مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.

1. Deci & Ryan
2. Vansteenkiste & Ryan
3. biological and psychological vulnerability
4. Ryan & Deci
5. Britton et al.
6. Garisch, & Wilson
7. Emery, Heath, & Mills
8. Emery, Heath, & Rogers



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## ۲. روش

### ۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

طرح این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. برای تحلیل اطلاعات، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به تعداد ۲۲۴،۴۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۰ نفر برآورده شد. برای کنترل نرخ پاسخ‌دهی، ۴۷۱ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای در بین دانش‌آموزان توزیع شد که با حذف ۵۱ پرسشنامه مخدوش، ۴۲۰ پرسشنامه تحلیل شدند. برای انتخاب تصادفی آزمودنی‌ها، ابتدا شهر تهران به پنج ناحیه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم و در مرحله بعد، با استفاده از قرعه‌کشی از هر ناحیه دو منطقه انتخاب شد. از ناحیه شمال منطقه ۱ و ۲، از جنوب منطقه ۱۷ و ۱۸، از شرق منطقه ۴ و ۸، از غرب منطقه ۵ و ۹ و از مرکز منطقه ۶ و ۱۰ انتخاب شدند. براساس جدول تصادفی از هر منطقه ۷ مدرسه دخترانه و ۷ مدرسه پسرانه انتخاب شدند. با همکاری مشاور و مدیر مدارس و توضیح پژوهش، افرادی که جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا داشتند معرفی شدند. از هر مدرسه ۳ یا ۴ نفر (از مقاطع دهم تا دوازدهم) انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع شد. علاوه بر راهنمایی‌های لازم که در دستورالعمل پرسشنامه‌ها ارائه شد، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات فقط در راستای اهداف پژوهش است و مشخصات هویتی آن‌ها محرمانه می‌ماند. ملاک‌های ورود به نمونه شامل داشتن پرونده جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا نزد مشاور مدرسه، تحصیل در مقطع متوسطه دوم و رضایت آگاهانه بود. ملاک‌های خروج انصراف دانش‌آموز از ادامه همکاری و پرسشنامه مخدوش بود.

## ۲-۲. ابزارهای پژوهش

۲-۲-۱. مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک<sup>۱</sup> (BSSI)

این مقیاس توسط بک، کواس و ویزمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۹) برای سنجش میزان استعداد خودکشی در افراد ساخته شد. این مقیاس، برآوردی عددی از شدت ایده‌پردازی و امیال خودکشی‌گرایانه فراهم می‌کند. این مقیاس شامل ۱۹ ماده است که روی یک طیف سه‌درجه‌ای از کمترین شدت (صفر) تا بیشترین شدت (۲) درجه‌بندی می‌شود. نمره کل فرد براساس جمع نمره‌ها محاسبه می‌شود که از صفر تا ۳۸ است. نمره بالاتر نشان‌دهنده افکار خودکشی بیشتر است. اعتبار و روایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. در پژوهش داچر و دالاری<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) آلفای کرونباخ این مقیاس روی ۱۰۸ بیمار افسرده در فرانسه ۰/۸۹ و روایی هم‌زمان آن با مقیاس ارزیابی خطر خودکشی<sup>۴</sup> ۰/۶۹ و با مقیاس درجه‌بندی افسردگی<sup>۵</sup> ۰/۶ به‌دست آمد. کلایم و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس را روی ۲۴۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه لایپزیک آلمان بررسی کردند. در این تحقیق، روایی واگرا و همگرایی ابزار با پرسشنامه رضایت از زندگی<sup>۷</sup> ۰/۲۷ و پرسشنامه ناامیدی<sup>۸</sup> ۰/۳۶ محاسبه شد. همچنین همسانی درونی ابزار با روش ضریب آلفای کرونباخ به مقدار ۰/۹۷ گزارش شد (کلایم و همکاران، ۲۰۱۷). در ایران نیز انیسی و همکاران (۱۳۸۴) اعتبار مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۵ و با روش دونیمه‌سازی ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. در مطالعه حسنی و میرآقایی (۱۳۹۱) روایی هم‌زمان مقیاس با زیرمقیاس افسردگی در پرسشنامه سلامت عمومی<sup>۹</sup> ۰/۷۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد.

۲-۲-۲. سیاهه آسیب به خود<sup>۱۰</sup> (SHI)

این سیاهه توسط سانسون، ویدرمن، سانسون و تاچت<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۸) ساخته شده و ۲۲ ماده دارد. این ابزار رفتارهای خودآسیب‌رسان مستقیم (بریدن، سوزاندن، اقدام به خودکشی و...) که با آسیب فوری به بافت مشخص می‌شوند و رفتارهای خودآسیب‌رسان غیرمستقیم (سوءمصرف داروهای غیرقانونی، رانندگی پرخطر، رفتارهای جنسی پرخطر و...) را می‌سنجد (سانسون، ویدرمن، سانسون و تاچت، ۱۹۹۸). این سیاهه به‌منظور استفاده در جمعیت‌های بالینی (سانسون، گیج و ویدرمن<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۸) و جمعیت‌های غیربالینی (سانسون، ویدرمن، سانسون و تاچت، ۱۹۹۸) طراحی شده است. نمره‌گذاری آن به‌صورت بلی (۱) و خیر (صفر) است. برای به‌دست‌آوردن نمره کلی این سیاهه فقط باید پاسخ‌های تأییدشده، یعنی تعداد پاسخ‌های بله، با هم جمع شود و پاسخ‌های خیر در نمره‌گذاری نقشی ندارند. بیشترین نمره در این سیاهه ۲۲ است. نمره بالا نشان‌دهنده شدت و فراوانی بیشتر رفتارهای خودآسیب‌رسان است. افرادی که نمره ۵ یا بیشتر در این سیاهه می‌گیرند، به احتمال ۰/۸۵ درصد نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی دارند (سانسون، ویدرمن، سانسون و تاچت، ۱۹۹۸). در بررسی روایی این سیاهه، نقطه برش ۵ یا بیشتر، با طبقه‌بندی دقیق ۰/۸۴ از پاسخ‌دهندگان که براساس مصاحبه تشخیصی اختلال مرزی واجد این اختلال به‌شمار می‌رفتند، مطابقت داشت (سانسون و ویدرمن<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۵). همسانی درونی سیاهه با آلفای کرونباخ برای کل ماده‌ها ۰/۸۰ به‌دست آمده است (سانسون، سلوم و سونگر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۸). روایی همگرایی سیاهه با پرسشنامه دارو، الکل و جرح خوشتن<sup>۱۵</sup> ۰/۶۶ و پرسشنامه تشخیصی

1. Beck Scale for Suicide Ideation (BSSI)
2. Beck, Kovacs, & Weissman
3. Ducher & Dalery
4. Assessment Scale Suicidal Risk (ASSR)
5. Rating Scale for Depression
6. Kliem et al.
7. Satisfaction with Life Scale
8. Hopelessness Scale
9. General Health Questionnaire (GHQ)
10. Self-Harm Inventory (SHI)
11. Sansone, Wiederman, Sansone, & Touchet
12. Sansone, Gage, & Wiederman
13. Sansone & Wiederman
14. Sansone, Sellbom, & Songer
15. Drugs, Alcohol and Self Injury Questionnaire (DASI)



شخصیت<sup>۱</sup> ۰/۸۳ به‌دست آمد (سانسون و ویدرمن، ۲۰۱۵). در پژوهش طاهبازحسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ برای این سیاهه ۰/۷۴ به‌دست آمده است. در پژوهش حاضر، به‌منظور روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا<sup>۲</sup> (CVR) و شاخص روایی محتوا<sup>۳</sup> (CVI) استفاده شد. با توجه به تعداد بیست نفر از افراد متخصص، حداقل مقدار قابل قبول برای تأیید روایی محتوایی ۰/۴۲ بود (لاوشه<sup>۴</sup>، ۱۹۷۵) که در پژوهش حاضر ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ و روایی محتوایی برابر با ۰/۸۵ محاسبه شد. هیرکاس، آپلگست-اشمیدلچنر و اوکسا<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) نمره ۰/۷۹ و بالاتر را برای پذیرش داده‌ها براساس نمره CVI توصیه کرده‌اند. در پژوهش حاضر اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به‌دست آمد.

### ۲-۲-۳. پرسشنامه بافت اجتماعی والدین<sup>۶</sup> (سبک‌های والدگری) (PASCQ)

این پرسشنامه توسط اسکینر و همکاران (۲۰۰۵) ساخته شد و شامل شش زیرمقیاس (سبک حمایت از استقلال عمل<sup>۷</sup>، اجبار<sup>۸</sup>، گرمی<sup>۹</sup>، طرد<sup>۱۰</sup>، ساختارمندی<sup>۱۱</sup> و بی‌نظمی<sup>۱۲</sup>) است. هر ماده، شیوه برخورد والدین را در یک طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً صحیح (۴) می‌سنجد. نسخه نوجوانان هر زیرمقیاس ۴ ماده و در مجموع ۲۴ ماده و نسخه والدین هر زیرمقیاس ۵ ماده و در مجموع ۳۰ ماده دارد (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵). در پژوهش اسکینر و همکاران (۲۰۰۵) آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های حمایت از استقلال عمل ۰/۹۸، کنترل ۰/۹۸، گرمی ۰/۹۸، طرد ۰/۹۷، ساختارمندی ۰/۹۵ و بی‌نظمی ۰/۹۳ به دست آمده که بیانگر اعتبار مقیاس مذکور است. روایی مقیاس با روش تحلیل عاملی محاسبه شد که نتایج وجود شش عامل (گرمی، طرد، کنترل، حمایت از استقلال عمل، بی‌نظمی و ساختارمندی) را نشان داد. همچنین کلیه شاخص‌های نیکویی برازش بالاتر از ۰/۹۰ بود (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵). در پژوهش ساداتی‌فیروزآبادی و ملتفت (۱۳۹۶) ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های گرمی، طرد، کنترل، حمایت از استقلال عمل، بی‌نظمی و ساختارمندی به‌ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۸، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ به‌دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین روایی نیز نشان داده است ساختار پرسشنامه برازش قابل قبولی با ماده‌ها دارد و کلیه شاخص‌های نیکویی برازش (۰/۹۸) و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش (۰/۹۶) مدل را تأیید می‌کنند. در پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی کمی روایی محتوایی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. با توجه به تعداد بیست نفر از افراد متخصص، حداقل مقدار قابل قبول برای تأیید روایی محتوا ۰/۴۲ بود (لاوشه، ۱۹۷۵) و در پژوهش حاضر، ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ و روایی محتوایی برابر با ۰/۹۰ به‌دست آمد. هیرکاس و همکاران (۲۰۰۳) نمره ۰/۷۹ و بالاتر را برای پذیرش داده‌ها براساس نمره CVI توصیه کرده‌اند. در پژوهش حاضر، اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های گرمی، طرد، کنترل، حمایت از استقلال عمل، بی‌نظمی و ساختارمندی و به‌طور کلی ۰/۸۵، ۰/۷۹، ۰/۸۳، ۰/۸۸، ۰/۸۱، ۰/۸۹ و ۰/۹۱ محاسبه شد.

### ۲-۲-۴. مقیاس کلی ارضای نیازهای بنیادین<sup>۱۳</sup> (BNSG-S)

این مقیاس ۲۱ ماده‌ای توسط گگنی<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۳) ساخته شده و شامل سه زیرمقیاس است. زیرمقیاس‌های استقلال عمل با ماده‌های ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، شایستگی با ماده‌های ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵ و ۱۹ و ارتباط با ماده‌های ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸ و ۲۱ در طیف هفت‌درجه‌ای لیکرتی از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۷) نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس ماده‌های ۳، ۴، ۷،

1. Personality Diagnostic Questionnaire - 4
2. Content Validity Ratio (CVR)
3. Content Validity Index (CVI)
4. Lawshe
5. Hyrkäs, Appelqvist-Schmidlechner, & Oksa
6. Parents as Social Context Questionnaire (PASCQ)
7. autonomy support
8. coercion
9. warmth
10. rejection
11. structure
12. chaos
13. Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S)
14. Gagne

۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (جانستون و فینی،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰). در پژوهش‌های مختلف همسانی درونی استقلال عمل ۰/۶۱ تا ۰/۸۱، شایستگی ۰/۶۰ تا ۰/۸۶ و ارتباط ۰/۶۱ تا ۰/۹۰ است و همبستگی بین زیرمقیاس‌های استقلال عمل ۰/۴۶ تا ۰/۷۲، شایستگی ۰/۳۳ تا ۰/۷۹ و ارتباط ۰/۲۷ تا ۰/۸۰ به دست آمده است (کونروی و کوسورث،<sup>۲</sup> ۲۰۰۷؛ گنگی،<sup>۳</sup> ۲۰۰۳؛ میر و همکاران،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷؛ وانستینکیسته و همکاران،<sup>۴</sup> ۲۰۰۶؛ وی و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۰۵). در پژوهش زاهدی تجربی و همکاران (۲۰۱۱) همسانی درونی در بار اول برای استقلال عمل، شایستگی و ارتباط ۰/۶۹، ۰/۷۵ و ۰/۸۳ محاسبه شد و در بار دوم ۰/۷۸، ۰/۷۳ و ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین روایی محتوایی آن براساس نظر پنج تن از روان‌شناسان نشان داد ضریب توافق کندانال برای زیرمقیاس‌های استقلال عمل، شایستگی و ارتباط ۰/۶۶ بود. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ استقلال عمل، شایستگی و ارتباط به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد.

## ۲-۲-۵. پرسشنامه نیازهای بین فردی (INQ)

این پرسشنامه توسط ون‌آردن، کوکرویکز و وایت و جوینر<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار ۱۵ ماده‌ای است که شامل دو خرده‌مقیاس تعلق‌پذیری خنثی<sup>۸</sup> (۹ ماده، میانگین نمرات از ۹ تا ۶۳) و ادراک سربار بودن (۶ ماده، میانگین نمرات از ۶ تا ۴۲) است. این پرسشنامه دارای چندین نسخه<sup>۱۰</sup>، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۵ ماده‌ای است که طبق گزارش هیل و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۵) نسخه‌های ۱۰ و ۱۵ ماده‌ای بهترین میزان روایی درونی و تناسب با مدل تحلیل‌عاملی اکتشافی را دارند. نسخه ۱۵ ماده‌ای به صورت خودگزارش دهی است و از شرکت‌کنندگان می‌خواهد بهترین گزینه ممکن را متناسب با باورهایشان در مورد حد ارتباط با دیگران (تعلق‌پذیری) و حدی که فکر می‌کنند سربار دیگران هستند (ادراک سربار بودن) را در یک مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرتی از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۷) مشخص کنند (هیل و همکاران، ۲۰۱۵). نمره بالاتر در این مقیاس به معنای تعلق‌پذیری خنثی و ادراک سربار بودن بیشتر است (هیل و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش هیل و همکاران (۲۰۱۵) ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۹۰ به دست آمده است. در این مطالعه، نتایج تحلیل‌عاملی تأییدی نیز نشان داد ساختار پرسشنامه برازش قابل قبولی با ماده‌ها (کلیه شاخص‌های نیکویی برازش بالاتر از ۰/۹۵) دارد و مدل را تأیید می‌کند. در پژوهش میتچل و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۲۰) ضریب آلفای کرونباخ برای تعلق‌پذیری خنثی ۰/۹۱ و برای ادراک سربار بودن ۰/۹۴ گزارش شده است. پژوهش کیانی‌چلمردی و همکاران (۱۳۹۷) مشخص کرد مدل نظریه بین‌فردی خودکشی در جمعیت ایرانی برازش مناسبی (بالاتر از ۰/۹۵) دارد و می‌تواند خودکشی را پیش‌بینی کند. در مطالعه رشید و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۶) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۴ گزارش شده است. در پژوهش حاضر، به منظور روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. با توجه به تعداد بیست نفری افراد متخصص، حداقل مقدار قابل قبول برای تأیید روایی محتوایی ۰/۴۲ بود (لاوشه، ۱۹۷۵). در این پژوهش ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ به دست آمد و روایی محتوایی برابر با ۰/۹۰ بود. هیرکاس و همکاران (۲۰۰۳) نمره ۰/۷۹ و بالاتر را برای پذیرش داده‌ها براساس نمره CVI توصیه کرده‌اند. اعتبار پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که مقدار آن برای ادراک سربار بودن، تعلق‌پذیری خنثی و کل مقیاس به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آمد.

1. Johnston & Finney
2. Conroy & Coatsworth
3. Meyer et al.
4. Vansteenkiste et al.
5. Wei et al.
6. Interpersonal Needs Questionnaire (INQ)
7. Van Orden, Cukrowicz, Witte, & Joiner
8. thwarted belongingness
9. Hill, Rey et al.
10. Mitchell et al.
11. Rashid et al.

### ۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در پژوهش حاضر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای آماری SPSS-23 و Amos-23 استفاده شده است.

### ۳. یافته‌ها

#### ۳-۱. توصیف جمعیت‌شناختی

این پژوهش با مشارکت ۴۲۰ نفر (۱۸۸ مرد و ۲۳۲ زن) انجام شد. رشته تحصیلی ۱۵۳ نفر ریاضی، ۱۰۱ نفر تجربی و ۱۶۶ نفر انسانی بود. از نظر ترتیب تولد، ۱۲۱ نفر فرزند اول، ۹۹ نفر فرزند دوم، ۱۴ نفر فرزند سوم، ۲۷ نفر فرزند چهارم و ۱۵۹ نفر فرزند آخر بودند. سطح تحصیلات پدر و مادر به ترتیب زیردپلم ۱۹۷ و ۷۴ نفر، دپلم ۱۲۲ و ۲۱۲ نفر، کارشناسی ۹ و ۳۸ نفر، کارشناسی ارشد ۸۶ و ۹۱ نفر و دکتری ۶ و ۵ نفر بود. هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار نداشتند. براساس اغلب منابع، کجی توزیع نمره‌ها در دامنه ۲ و ۳- و کشیدگی در دامنه ۳ و ۳- را می‌توان بهنجار فرض کرد. توزیع داده‌های هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش از این دامنه تخطی نکرده است؛ بنابراین می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد (هویت و کرامر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸). برای حجم نمونه، اغلب مؤلفان بالاتر از ۲۰۰ نفر را برای معادلات ساختاری مناسب دانسته‌اند که براین اساس حجم نمونه (۴۲۰ نفر) شرط کفایت نمونه را برقرار می‌سازد.

#### ۳-۲. شاخص‌های توصیفی

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
گرمی	۱/۹۸	۰/۸۴											
طرد	۲/۰۶	۰/۸۵	*-۰/۴۴										
ساختارمند	۲/۰۹	۰/۸۳	*-۰/۴۷	*-۰/۵۳									
بی‌نظمی	۲/۱۴	۰/۸۷	*-۰/۴۲	*-۰/۵۶	*-۰/۵۸								
استقلال	۲/۱۷	۰/۸۹	*-۰/۵۰	*-۰/۵۹	*-۰/۶۲	*-۰/۶۳							
اجبار	۲/۱۶	۰/۹۰	*-۰/۵۲	*-۰/۵۵	*-۰/۵۵	*-۰/۵۹	*-۰/۶۶						
استقلال عمل	۲/۶۶	۱/۱۷	*-۰/۳۸	*-۰/۵۴	*-۰/۵۲	*-۰/۵۷	*-۰/۵۷	*-۰/۵۳					
شایستگی	۲/۵۷	۱/۰۹	*-۰/۳۸	*-۰/۵۳	*-۰/۵۱	*-۰/۵۸	*-۰/۵۶	*-۰/۵۴	*-۰/۸۸				
ارتباط	۲/۴۳	۱/۱۱	*-۰/۴۳	*-۰/۵۴	*-۰/۵۷	*-۰/۶۳	*-۰/۵۷	*-۰/۵۸	*-۰/۸۲	*-۰/۸۱			
ادراک سرباربودن	۵/۵۰	۱/۵۳	*-۰/۴۸	*-۰/۶۰	*-۰/۶۳	*-۰/۶۶	*-۰/۶۴	*-۰/۷۶	*-۰/۷۷	*-۰/۸۱			
جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا	۸/۷۳	۲/۷۳	*-۰/۳۱	*-۰/۴۱	*-۰/۴۱	*-۰/۴۱	*-۰/۴۶	*-۰/۴۴	*-۰/۴۷	*-۰/۴۸	*-۰/۵۶		
ایده‌پردازی خودکشی	۸/۷۲	۲/۸۹	*-۰/۴۰	*-۰/۴۲	*-۰/۴۱	*-۰/۳۹	*-۰/۴۵	*-۰/۴۰	*-۰/۵۹	*-۰/۶۰	*-۰/۵۴	*-۰/۵۶	

\*P<۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین طرد، بی‌نظمی و کنترل با ادراک سرباربودن، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین گرمی، ساختارمندی و حمایت از استقلال عمل با ادراک سرباربودن، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین استقلال عمل، ارتباط و شایستگی با ادراک سرباربودن، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی رابطه منفی معنادار وجود دارد. بین ادراک سرباربودن با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا و ایده‌پردازی خودکشی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

## ۳-۳. بررسی مدل مفهومی با روش معادلات ساختاری

برای بررسی نقش واسطه‌ای ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین سبک‌های والدگری، ادراک سربرابردن و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با جرح خویشتن غیرخودکشی گرا یک مدل مفهومی تدوین و با روش معادلات ساختاری آزمون شد.

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری

RMR	NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	X2/df	شاخص‌های برازندگی
۰/۰۸	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۰۶	۲/۶۷	مدل نهایی

در مدل اولیه مقدار  $\chi^2$  دو نسبی بزرگ‌تر از ۳ بود؛ بنابراین الگوی پیشنهادی نیاز به اصلاح و بازنگری دارد (میرز، گامست و گوارینو، ۲۰۰۶). بررسی ضرایب مسیر الگوی اولیه همراه با شاخص‌های اصلاح نشان داد لازم است بازنگری به این شکل در الگو انجام شود. مسیرهای سبک‌های والدگری و ادراک سربرابردن به جرح خویشتن غیرخودکشی گرا به دلیل غیرمعنادار بودن ضریب آن حذف شد. در مدل نهایی، مقدار  $\chi^2$  دو نسبی ( $X^2/df = 2/67$ ) برای نشان دادن برازش مدل، مطابق نظر تاباکنیک و فیدل<sup>۲</sup> (۱۳۹۵) کمتر از ۳ بیان شد. مولایک و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) بیان کردند که شاخص AGFI با مقدار بزرگ‌تر از ۰/۹ می‌تواند بیانگر نیکویی برازش و یا تناسب مدل باشند. شاخص برازندگی افزایشی CFI شاخصی است که هرچه به یک نزدیک‌تر باشد، برازش مدل بهتر است (بولن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰). براساس دیدگاه کلاین<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) اگر مقدار شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد، برازندگی مدل بسیار عالی است.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های مدل معادلات ساختاری

مسیرها	تخمین استاندارد نشده	خطای استاندارد	مقدار بحرانی	تخمین استاندارد شده
سبک‌های والدگری ← ایده‌پردازی خودکشی	** -۰/۸۲	۰/۲۹	** -۲/۸۱	-۰/۲۰
نیازهای بنیادین ← ایده‌پردازی خودکشی	* -۱/۶۸	۰/۲۱	* -۸/۰۵	-۰/۵۷
ادراک سربرابردن ← ایده‌پردازی خودکشی	* -۰/۳۶	۰/۰۷	* -۴/۹۲	-۰/۲۱
نیازهای بنیادین ← جرح خویشتن غیرخودکشی گرا	* -۰/۷۳	۰/۱۵	* -۴/۸۸	-۰/۲۶
ایده‌پردازی خودکشی ← جرح خویشتن غیرخودکشی گرا	* ۰/۳۸	۰/۰۵	* ۷/۷۳	۰/۴۰

\* $P < 0.05$ , \*\* $P < 0.01$ 

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد اثر مستقیم سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین و ادراک سربرابردن به ترتیب به صورت منفی بر ایده‌پردازی خودکشی ( $\beta = -0.20$  و  $P < 0.05$ )، ( $\beta = -0.57$  و  $P < 0.01$ ) و ( $\beta = -0.21$  و  $P < 0.01$ ) معنادار هستند. افزون بر آن، اثر مستقیم ایده‌پردازی خودکشی به صورت مثبت بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا ( $\beta = 0.40$  و  $P < 0.01$ ) و نیازهای بنیادین به صورت منفی بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا ( $\beta = -0.26$  و  $P < 0.01$ ) معنادار هستند.

جدول ۴. ضرایب استاندارد اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم

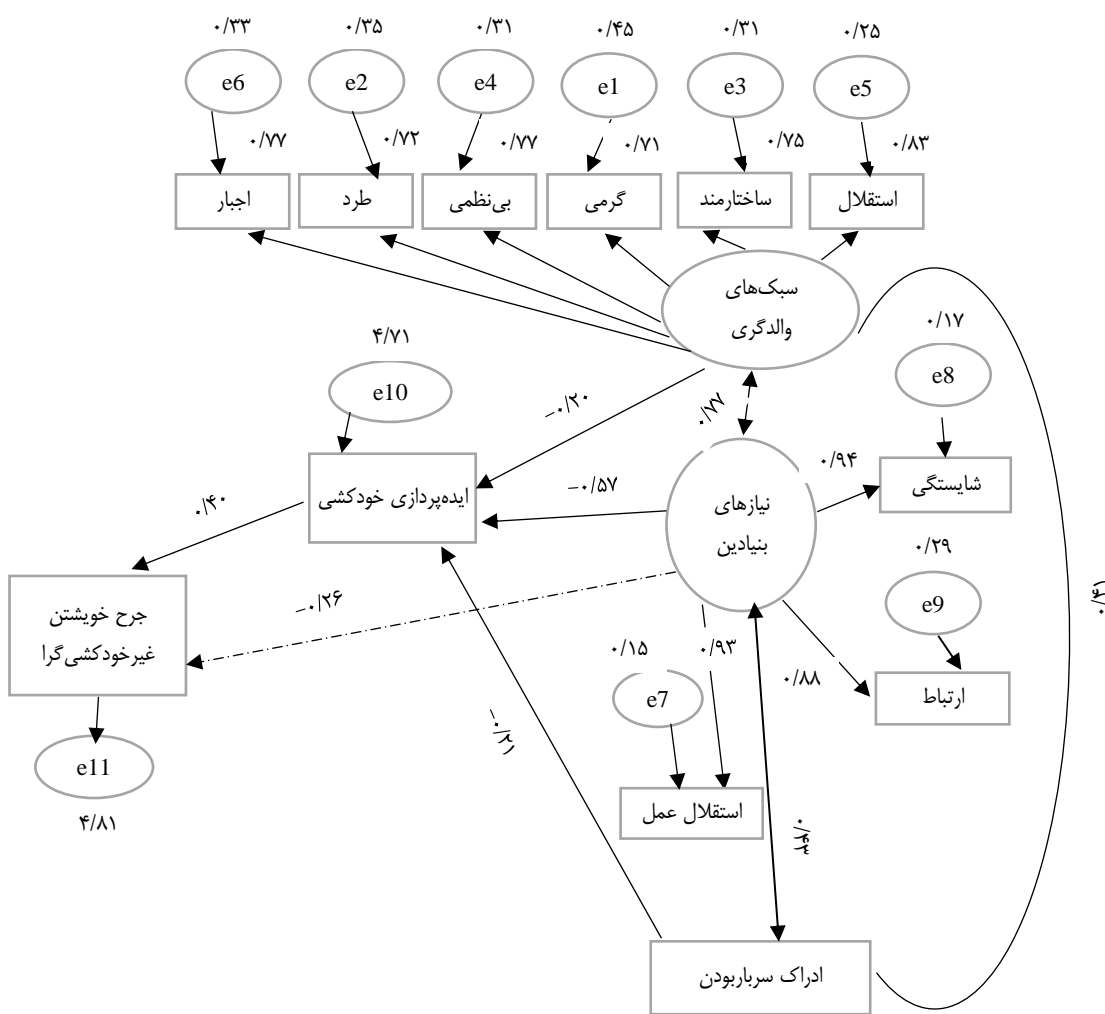
مسیرها	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	واریانس تبیین شده
بر ایده‌پردازی خودکشی از				۰/۴۴
سبک‌های والدگری	** -۰/۲۰	** -۰/۲۰		
نیازهای بنیادین	** -۰/۵۷	** -۰/۵۷		
ادراک سربرابردن	** -۰/۲۱	** -۰/۲۱		
بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا از				۰/۳۵
ایده‌پردازی خودکشی	** ۰/۴۰			
سبک‌های والدگری	** -۰/۰۸	** -۰/۰۸		
نیازهای روان‌شناختی بنیادین	** -۰/۴۸	** -۰/۲۶	** -۰/۲۳	

1. Meyers, Gamst., & Guarino
2. Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S.
3. Mulaik et al.
4. Bollen
5. Kline

مسیرها	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اریانس تبیین شده
ادراک سرباربودن	**۰/۰۸	**۰/۰۸		

$P^* < 0.001, P^{**} < 0.05$

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد صفر در فواصل اطمینان یادشده قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین تمامی روابط غیرمستقیم معنی دارند. فاصله اطمینان در این روابط ۰/۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت‌استرپ ۵۰۰۰ تعیین شد. این یافته‌ها نشان داد سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین و ادراک سرباربودن با واسطه ایده‌پردازی خودکشی بر جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا اثر غیرمستقیم و معنادار دارند. ۴۴ درصد از واریانس ایده‌پردازی خودکشی از طریق سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین و ادراک سرباربودن تبیین‌پذیر است. همچنین سبک‌های والدگری، نیازهای روان‌شناختی بنیادین، ادراک سرباربودن و ایده‌پردازی خودکشی توانایی تبیین ۳۵ درصد از واریانس جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا را دارند.



شکل ۲. مدل برازش‌یافته پژوهش

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، تعیین نقش واسطه‌ای ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین سبک‌های والدگری، ادراک سرباربودن و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا بود. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های اوکانر (۲۰۱۱)، جوینر (۲۰۰۵) و کلونسکی و مای (۲۰۱۵) همسویی دارد. در تبیین این یافته با متوسل شدن به نظریه سه گام ایده‌پردازی خودکشی می‌توان گفت

ترکیبی از درد (معمولاً روان‌شناختی) و ناامیدی به ایده‌پردازی خودکشی منجر می‌شود؛ یعنی وقتی زندگی ناسازگار، ناپسند و دردناک می‌شود، افراد به نوبه خود میل به اجتناب از زندگی را آغاز می‌کنند (گام اول). وقتی درد فراتر از وابستگی بین‌فردی و درون‌فردی می‌رود (قطع پیوند)، ایده‌پردازی خودکشی از حالت عادی و غیرفعال به افکار قوی و فعال تبدیل می‌شود (گام دوم) و ایده‌های خودکشی فعال و قوی به اقداماتی می‌رسند که ظرفیت مکتسب خودکشی (آستانه بالا برای درد یا ترس کم از مرگ) نام دارد (گام سوم) و در نهایت دسترسی به ابزارهای خودکشی (مثل جست‌وجوی اینترنتی در مورد مرگ و داروهای بدون نسخه و سایر موارد) می‌توانند این ظرفیت را افزایش دهند (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). در گام اول، انتظارات تحصیلی، فشار همسالان، سؤالات مربوط به گرایش جنسی، سردرگمی هویت و مشکلات دوست‌یابی می‌تواند درد زیادی برای نوجوانان ایجاد کند (ایهمدو، ۲۰۱۸). در این شرایط، وقتی والدین با سبک‌های والدگری نامناسب مانند کنترل زیاد، بی‌توجهی به انتخاب‌ها، تنبیه بدون دلیل، عدم نظم و مقررات و فقدان محبت و احترام به فردیت با نوجوان رفتار می‌کنند (اسکینر و همکاران، ۲۰۰۵) و نوجوان نمی‌تواند این دردها را برای والدین خود بازگو کند، گوشه‌گیر می‌شود و مشکلات خود را درونی می‌کند (ایهمدو، ۲۰۱۸)؛ به طوری که بین سبک‌های والدگری (گرمی و صمیمیت کم، کنترل زیاد و جو منفی خانواده) (لای و مک برید-چانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱)، الگوهای ارتباطی خانواده و مرز بهنجار خانواده با تمایل به خودکشی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد و ۴۴ درصد از کل واریانس تمایل به خودکشی در دانش‌آموزان براساس الگوهای ارتباطی و مرزهای ارتباطی با والدین قابل‌پیش‌بینی است (کیانی‌چلمردی و همکاران، ۱۳۹۶). می‌توان گفت وقتی روال تجربیات هر روزه یک فرد پر از درد است و فرد نیز آمیدی برای رهایی از این درد ندارد، خودکشی را یکی از گزینه‌های ذهن خود قرار می‌دهد (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). والدین با سبک‌های والدگری نامناسب این باور را در نوجوانان خود به وجود می‌آورند که از طرف والدین به خوبی درک نمی‌شوند و نمی‌توانند با والدین خود رابطه خوبی داشته باشند. این باور نوجوان را دچار ناراحتی، افسردگی، خشم می‌کند و نوجوان برای رهایی از این شرایط به خودکشی فکر می‌کند.

همچنین ارضای ناکافی نیازهای روان‌شناختی بنیادین موجب به ناسازگاری و آسیب‌شناسی روانی (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ وانستینکیسته و رایان، ۲۰۱۳) و آسیب‌پذیری زیستی و روان‌شناختی می‌شود (رایان و دسی، ۲۰۱۷). این آسیب‌پذیری‌ها، احتمال بروز یک واکنش روانی نامطلوب (ایده‌پردازی خودکشی) در برابر فشار روانی را افزایش می‌دهد (اوکانر، ۲۰۱۱)؛ بنابراین وقتی نوجوانان احساس می‌کنند شخصی شایسته نیستند و نمی‌توانند با دیگران ارتباط داشته باشند و هیچ استقلال از خود ندارند، از لحاظ جسمی-روانی ضعیف‌تر می‌شوند و پیامدهای منفی مانند ایده‌پردازی و رفتارهای خودکشی در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند (بریتون و همکاران، ۲۰۱۴). می‌توان گفت نوجوانان وقتی احساس می‌کنند اختیاری در انتخاب اهداف زندگی خود ندارند، برای خانواده و جامعه کارایی ندارند و نمی‌توانند با جامعه و خانواده ارتباط برقرار کنند، دچار ناامیدی می‌شوند و برای رهایی از این شرایط به خودکشی فکر می‌کنند.

پیوند به منزله دومین گام به دل بستگی فرد به شغل، پروژه، نقش، علایق یا هر نوع هدف و معنا در زندگی اطلاق می‌شود که فرد را علاقه‌مند به زیستن می‌کند. پیوند از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چرا که حتی اگر فردی درد و ناامیدی را احساس کند و به خودکشی هم فکر کند، باز هم ایده‌پردازی برای خودکشی در حد متوسط و متعادل باقی می‌ماند (مثل فکر می‌کنم گه‌گاهی خوش بودن و در رفاه بودن بهتر از مردن است). اما تا زمانی که پیوند فرد با زندگی نیرومندتر از درد باشد، وی زندگی را بر مرگ ترجیح می‌دهد. این در حالی است که اگر فرد احساس ناامیدی و درد داشته باشد و در زندگی به خود، خانواده و جامعه دل بسته نیز نباشد و خود را سربار جامعه و خانواده بداند، احتمال بیشتری دارد برای پایان دادن به زندگی خود ایده‌پردازی کند که همین روند، تمایل وی را به خودکشی افزایش می‌دهد (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). قطع پیوند شبیه تعلق‌پذیری پایین و ادراک سربار بودن در نظریه بین‌فردی جویینر (۲۰۰۵) است. در راستای مطالعات قبل، نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد مقیاس ادراک سربار بودن، پیش‌بین قدرتمندی در تلاش برای خودکشی و ایده‌پردازی خودکشی است (اپرمن و همکاران، ۲۰۱۵). می‌توان چنین استدلال کرد که وقتی والدین فشارهای روانی نوجوانان را درک نمی‌کنند و نوجوانان نمی‌توانند ارتباط مناسبی با والدین و دیگران داشته باشند، احساس می‌کنند بودن و نبودن آن‌ها فرقی نمی‌کند و نمی‌توانند هیچ کاری برای زندگی خود بکنند. وقتی نمی‌توانند

شرایط را تغییر دهند دچار درد و ناامیدی می‌شوند و احساس می‌کنند فرد مفیدی برای جامعه و والدین خود نیستند و درواقع وجود آن‌ها بار اضافی برای والدین و جامعه است و نبودن آن‌ها بهتر از بودن است.

در گام سوم در صورتی نوجوانان ایده را به عمل تبدیل می‌کنند و دست به اقدام می‌زنند که ظرفیت اقدام به خودکشی را داشته باشند (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). نوجوانان با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا تحمل درد را در خود افزایش می‌دهند و خود را به مرگ نزدیک‌تر می‌کنند (جویئر، ۲۰۰۵؛ ون آردن و همکاران، ۲۰۱۲). می‌توان گفت در گام اول نوجوانان درگیر برابری قدرت با والدین خود می‌شوند و می‌خواهند ابتکار عمل را در دست بگیرند، ولی والدین با سبک‌های نامناسب والدگری اجازه این کار را به آن‌ها نمی‌دهند و آن‌ها احساس می‌کنند هیچ قدرتی برای تعیین سرنوشت خود ندارند و نمی‌توانند شایستگی خود را نشان دهند و ارتباطات مؤثری داشته باشند. در نتیجه در این شرایط ناکام و ناامید می‌شوند و میل به زندگی در آن‌ها کمتر می‌شود و شروع به ایده‌پردازی خودکشی می‌کنند. در گام دوم وابستگی‌شان نسبت به والدین کم می‌شود و احساس می‌کنند وجودشان بار اضافی برای خانواده است؛ بنابراین وقتی نمی‌توانند کاری برای خودشان و خانواده بکنند، ایده‌های گام اول جدی‌تر و شک آن‌ها به یقین تبدیل می‌شود. در گام سوم برای رهایی از این شرایط شروع به آسیب‌زدن به خود می‌کنند و در نهایت بعد از اینکه ترس آن‌ها از مرگ کمتر شد، شروع به تلاش برای خودکشی و اقدام به خودکشی می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد نیازهای روان‌شناختی بنیادین با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا رابطه منفی و معنادار دارد. این یافته با نتایج مطالعات امری و همکاران (۲۰۱۶)، امری و همکاران (۲۰۱۷) و گاریسچ و ویلسون (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت وقتی نیازهای بنیادین به‌طور مکرر ارضا نمی‌شود، افراد دچار الگوهای ناسازگار می‌شوند. درواقع ممکن است اهداف بیرونی و پوچ را دنبال کنند یا به‌طور موقت از رفتارهای جایگزینی برای رهایی از این هیجانات منفی (ناشی از ناکامی در ارضای نیازهای بنیادین) استفاده کنند. این رفتارهای جایگزین سبب خستگی فرد می‌شود و یک چرخه عملکرد نامطلوب را تداوم می‌بخشد. طبق این دیدگاه، جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا رفتاری جایگزین برای ناکامی در ارضای نیازهای بنیادین است (وانستینکیسته و رایان، ۲۰۱۳). در نتیجه می‌توان گفت نوجوانانی که نمی‌توانند براساس ارزش‌های درونی خود رفتار کنند، رفتار آن‌ها براساس اجبار و فشار است، در میزان احساس اثربخشی و کارایی ناکام هستند و با دیگران تعامل ندارند. بیشتر دچار عدم تعادل، پرخاشگری، ناراحتی و افسردگی در زندگی می‌شوند و در نهایت برای به‌دست‌آوردن تعادل و رهایی از هیجانات منفی شروع به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. نخست اینکه پژوهش روی نوجوانان دارای جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا انجام شده و در تعمیم نتایج آن باید جانب احتیاط را در نظر گرفت. علاوه بر این پژوهش از نوع همبستگی است و از نتایج آن نمی‌توان استنباط علی به‌عمل آورد. همچنین شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مبتنی بر پرسشنامه است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود اطلاعات هر متغیر به چند روش مختلف جمع‌آوری شود تا نتایج با اطمینان بیشتری به کار گرفته شوند. با توجه به نتایج می‌توان پیشنهاد کرد در راستای کاهش افکار و رفتارهای جرح خویشتن، فرایند ویژه‌ای برای لحاظ‌کردن سبک‌های والدگری و ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین در نظام آموزشی و فرهنگی پیش‌بینی شود و نوجوانان از حیث نگرش به والدین و ارضای نیازهای بنیادین، در کنار سایر عوامل عمومی و اختصاصی بررسی شوند. کارگاه‌های آموزشی در باب سبک‌های والدگری و ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین برای والدین و نوجوانان پیشنهاد می‌شود؛ زیرا افراد با ارضای کافی این نیازها و نگرش مثبت به والدگری والدین، در برابر عوامل فشارزای محیطی کمتر دچار هیجان منفی می‌شوند و میزان افکار و رفتارهای جرح خویشتن در آن‌ها کاهش می‌یابد. همچنین اندیشیدن تدابیری برای کاهش ادراک سربار بودن نوجوانان، به‌عنوان برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت و با استفاده از مفاهیم و شاخص‌های ذکر شده می‌تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای خودکشی داشته باشد. از نظر پژوهشی پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این مدل روی نوجوانان با سابقه خودکشی ناموفق بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود نقش سرمایه‌های روان‌شناختی و هسته ارزشیابی خود به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده در رابطه بین متغیرها، مورد بررسی واقع شود.

## ۵. ملاحظات اخلاقی

برای رعایت اخلاق در پژوهش حاضر، از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش، مدیر مدرسه و معلمان به‌منظور پرکردن پرسشنامه‌ها اجازه کسب شد. همچنین به افراد اطمینان داده شد که پرسشنامه‌ها و نمرات آنان محرمانه خواهد ماند و تنها برای اجرای پژوهش استفاده خواهد شد.

## ۶. سپاسگزاری و حمایت مالی

نویسندگان مقاله حاضر بر خود لازم می‌دانند از تمامی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش که زمینه انجام پژوهش را فراهم آوردند، تشکر و قدردانی کنند. این مقاله مستخرج از رساله دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج است. مقاله حاضر هیچ‌گونه حمایت مالی دریافت نکرده است.

## ۷. تعارض منافع

در پژوهش حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

## منابع

- انیسی، ج.، فتحی آشتیانی، ع.، سلیمی، س. ح.، و احمدی، خ. (۱۳۸۴). ارزیابی اعتبار و روایی مقیاس افکار خودکشی بک (BSSI) در سربازان. *مجله طب نظامی*. ۷(۱)، ۳۷-۳۳. <https://www.sid.ir/paper/62015/fa>
- تاباکینیک، ب. ج.، و فیدل، ل. (۱۳۹۵). کاربرد آمار چندمتغیری. ترجمه بلال ایزانلو، ولی‌الله فرزاد، حمیدرضا حسن‌آبادی، خدیجه ابوالعالی و مجتبی حبیبی عسگرآباد. چاپ اول. تهران: رشد.
- حسنی، ج.، و میرآقایی، ع. م. (۱۳۹۱). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی. *روان‌شناسی معاصر*. ۷(۱)، ۷۲-۶۱. [https://bjcp.ir/browse.php?a\\_id=26&sid=1&slc\\_lang=fa](https://bjcp.ir/browse.php?a_id=26&sid=1&slc_lang=fa)
- ساداتی فیروزآبادی، س.، و ملتفت، ق. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای نیازهای روان‌شناختی پایه در ارتباط بین سبک‌های والدگری و سلامت روان دانش‌آموزان تیزهوش. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*. ۵(۳)، ۲۱۲-۲۰۳. <https://journal.ihepsa.ir/article-1-553-fa.html>
- کیانی چل‌مردی، ا. ر.، رشید، س.، هنرمند، پ.، و تموک، ف. (۱۳۹۷). بررسی ساختاری مدل نظریه بین‌فردی خودکشی در دانشجویان. *دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر*. ۱(۱)، ۶۰-۵۱. <https://bjcp.ir/article-1-1383-fa.html>
- کیانی چل‌مردی، ا. ر.، هنرمند قوجه‌بگلو، پ.، و خاکدال قوجه‌بگلو، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان براساس الگوها و مرزهای ارتباطی خانواده. *مجله مراقبت اورژانس*. ۱(۲)، ۶۶-۵۶. <http://ijec.ir/article-1-52-fa.html>
- طاهباز حسین‌زاده، س.، قربانی، ن.، و نبوی، س. م. (۱۳۹۰). مقایسه گرایش شخصیتی خودتخریبی و خودشناسی انسجامی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروز و افراد سالم. *فصلنامه روان‌شناسی معاصر*. ۶(۲)، ۴۴-۳۵. [https://bjcp.ir/browse.php?a\\_id=40&sid=1&slc\\_lang=fa](https://bjcp.ir/browse.php?a_id=40&sid=1&slc_lang=fa)
- هویت، د.، و کرامر، د. (۱۳۸۸). *روش‌های آماری در روان‌شناسی و سایر علوم رفتاری*. ترجمه حسن پاشاشریفی، جعفر نجفی‌زند، مالک میرهاشمی، داود معنوی‌پور و نسترن شریفی. چاپ اول، تهران: سخن.

## References

- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5)*. Washington, DC: American Psychiatric Pub. <https://doi.org/10.1176/appi.books.9780890425596>



- Anisi, J., Fathi-Ashtiani, A., Salimi, S. H., & Ahmadi, Kh. (2005). Assessing the validity and reliability of the Beck Suicidal Ideation Scale (BSSI) in soldiers. *Journal of Military Medicine*, 7(1), 33-37. (In Persian)
- Barrow, J. C., & Moore, C. A. (1983). Group interventions with perfectionist thinking. *Personnel & Guidance Journal*, 61(10), 612-615. <https://doi.org/10.1111/j.2164-4918.1983.tb00008.x>
- Barzilay, S., Feldman, D., Snir, A., Apter, A., Carli, V., Hoven, C.W., Wasserman, C., Sarchiapone, M., & Wasserman, D. (2015). The interpersonal theory of suicide and adolescent suicidal behavior. *Journal of Affective Disorders*, 183, 68-74. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2015.04.047>
- Baumeister, R. F., Tice, D. M., & Hutton, D. G. (1989). Self-presentational motivations and personality differences in self-esteem. *Journal of Personality*, 57(3), 547-579. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.1989.tb02384.x>
- Beck, A. T. (1967). *Depression: Clinical, experimental and theoretical aspects*. New York: Harper and Row.
- Beck, A. T., Kovacs, M., & Weissman, A. (1979). Assessment of suicidal intention: the scale for suicide ideation. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 47(2), 343-352. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.47.2.343>
- Bollen, K. A. (1990). Overall fit in covariance structure models: Two types of sample size effects. *Psychological Bulletin*, 107(2), 256-259. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.107.2.256>
- Britton, P. C., Van Orden, K. A., Hirsch, J. K., & Williams, G. C. (2014). Basic psychological needs, suicidal ideation, and risk for suicidal behavior in young adults. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 44(4), 362-371. <https://doi.org/10.1111/sltb.12074>
- Bryan, C. J., & Rudd, M. D. (2016). The importance of temporal dynamics in the transition from suicidal thought to behavior. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 23(1), 21-25. <https://doi.org/10.1111/cpsp.12135>
- Bryan, C. J., Bryan, A. O., May, A. M., & Klonsky, E. D. (2015). Trajectories of suicide ideation, non-suicidal self-injury, and suicide attempts in a non-clinical sample of military personnel and veterans. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 45(3), 315-25. <https://doi.org/10.1111/sltb.12127>
- Burke, T. A., Jacobucci, R., Ammerman, B. A., Piccirillo, M., McCloskey, M. S., Heimberg, R. G., & Alloy, L. B. (2018). Identifying the relative importance of non-suicidal self-injury features in classifying suicidal ideation, plans, and behavior using exploratory data mining. *Psychiatry Research*, 262, 175-183. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2018.01.045>
- Cerutti, R., Calabrese, M., & Valastro, C. (2014). Alexithymia and personality disorders in the adolescent non-suicidal self injury: preliminary results. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 114, 372-376. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.12.714>
- Cipriano, A., Cella, S., & Cotrufo, P. (2017). Non suicidal self-injury: a systematic review. *Frontiers in Psychology*, 8, 1946. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01946>
- Claes, L., & Muehlenkamp, J. J. (2016). *Non-suicidal self-Injury in eating disorders*. Heidelberg: Springer. <https://link.springer.com/book/10.1007/978-3-642-40107-7>
- Conroy, D. E., & Coatsworth, J. D. (2007). Assessing autonomy-supportive coaching strategies in youth sport. *Psychology of Sport and Exercise*, 8(5), 671-684. <https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2006.12.001>
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268. [https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1104\\_01](https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1104_01)

- Ducher, J. L., & Dalery, J. (2004). Concurrent validation of suicidal risk assessment scale with the beck's suicidal ideation scale. *L'Encephale*, 30(3), 249-254. [https://doi.org/10.1016/S0013-7006\(04\)95436-X](https://doi.org/10.1016/S0013-7006(04)95436-X)
- Durkheim, E. (1897). *Le Suicide: Etude de socologie*. Paris, France: F. Alcan.
- Emery, A. A., Heath, L. N., & Mills, D. J. (2016). Basic psychological need satisfaction, emotion dysregulation, and non-suicidal self-Injury engagement in young adults: an application of self-determination theory. *Journal of youth and Adolescence*, 45(3), 612-623. <https://doi.org/10.1007/s10964-015-0405-y>
- Emery, A. A., Heath, N. L., & Rogers, M. (2017). Parents' role in early adolescent self-injury: an application of self-determination theory. *School Psychology Quarterly*, 32(2), 199-211. <https://doi.org/10.1037/spq0000204>
- Ferrara, M., Terrinoni, A., & Williams, R. (2012). Non-suicidal self-injury (NSSI) in adolescent in patients: Assessing personality features and attitude toward death. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 6, 12. <https://doi.org/10.1186/1753-2000-6-12>
- Gagne, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and Emotion*, 27(3), 199-223. <https://doi.org/10.1023/A:1025007614869>
- Garisch, J. A., & Wilson, M. S. (2015). Prevalence, correlates, and prospective predictors of non-suicidal self-injury among new zealand adolescents: cross-sectional and longitudinal survey data. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 9, 28. <https://doi.org/10.1186/s13034-015-0055-6>
- Gratz, K. L., & Chapman, A. L. (2009). *Freedom from self-harm: overcoming self-injury with skills from DBT and other treatments*. Oakland, CA: New Harbinger Publications, Inc.
- Hamza, C. A., Stewart, S. L., & Willoughby, T. (2012). Examining the link between non suicidal self-injury and suicidal behavior: a review of the literature and an integrated model. *Clinical Psychology Review*, 32(6), 482-95. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2012.05.003>
- Harris, E. C., & Barraclough, B. (1997). Suicide as an outcome for mental disorders. A metaanalysis. *British Journal of Psychiatry*, 170(3), 205-228. <https://doi.org/10.1192/bjp.170.3.205>
- Hasani, J., & Miraghaei, A. (2012). The relationship between strategies for cognitive regulation of emotions and suicidal ideation. *Contemporary Psychology*, 7(1), 61-72. <https://bjcp.ir/article-1-26-en.html> (In Persian)
- Hill, R. M., & Pettit, J. W. (2013). The role of autonomy needs in suicidal ideation: integrating the interpersonal-psychological theory of suicide and self-determination theory. *Archives of Suicide Research*, 17(3), 288-301. <https://doi.org/10.1080/13811118.2013.777001>
- Hill, R. M., del Busto, C. T., Buitron, V., & Pettit, J. W. (2018). Depressive symptoms and perceived burdensomeness mediate the association between anxiety and suicidal ideation in adolescents. *Archives of Suicide Research*, 22(4), 555-568. <https://doi.org/10.1080/13811118.2018.1427163>
- Hill, R. M., Rey, Y., Marin, C. E., Sharp, C., Green, K. L., & Pettit, J. W. (2015). Evaluating the interpersonal needs questionnaire: comparison of the reliability, factor structure, and predictive validity across five versions. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 45(3), 302-314. <https://doi.org/10.1111/sltb.12129>
- Hollander, M. (2017). *Helping teens who cut (2<sup>nd</sup> Ed.): using DBT skills to end self-injury*. New York, NY: The Guilford Press.
- Howitt, D., & Cramer, D. (2005). *An introduction to statistics in psychology*, Translated by: H. Pashasharifi et al. Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Hyrkäs, K., Appelqvist-Schmidlechner, K., & Oksa, L. (2003). Validating an instrument for clinical supervision using an expert panel international. *Journal of Nursing Studies*, 40(6), 619-625.

[https://doi.org/10.1016/S0020-7489\(03\)00036-1](https://doi.org/10.1016/S0020-7489(03)00036-1)

- Ihemedu, E. (2018). Parenting style, adolescent suicidal behavior and self-disclosure in a sample of saint Lucian adolescents. *Doctoral Dissertation*. University of Connecticut.  
<https://digitalcommons.lib.uconn.edu/dissertations/1710/>
- Johnston, M. M., & Finney, S. J. (2010). Measuring basic needs satisfaction: evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the basic needs satisfaction in general scale. *Contemporary Educational Psychology*, 35(4), 280-296.  
<https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2010.04.003>
- Joiner, T. E. (2005). *Why people die by suicide*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Joiner, T. E., Ribeiro, J. D., & Silva, C. (2012). Non suicidal self-injury, suicidal behavior, and their co-occurrence as viewed through the lens of the interpersonal theory of suicide. *Current Directions in Psychological Science*, 21(5), 342-347. <https://www.jstor.org/stable/44318606>
- Joiner, T. E., Van Orden, K. A., Witte, T. K., Selby, E. A., Ribeiro, J. D., Lewis, R., & Rudd, M. D. (2009). Main predictions of the interpersonal-psychological theory of suicidal behavior: empirical tests in two samples of young adults. *Journal of Abnormal Psychology*, 118(3), 634-646.  
<https://doi.org/10.1037/a0016500>
- Jun, Y.S. & Choi, Y. S. (2017). Study on the influence of children`s GPA on the happiness of parents and themselves. *Korean Journal of Youth Studies*, 24(2), 473-490.  
<https://doi.org/10.21509/KJYS.2017.01.24.2.473>
- Kara, K., Ozsoy, S., Teke, H., Congologlu, M. A., Turker, T., Renklidag, T., & Karapirli, M. (2015). Non-suicidal self-injurious behavior in forensic child and adolescent populations: clinical features and relationship with depression. *Neurosciences*, 20(1), 31-36.  
<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/25630778>
- kiani Chalmari A, Honarmand P, Khakdal S. (2017). Predicting Suicide Tendency Based on Family Relationship Patterns and Boundary in Students. *Iranian Journal of Emergency Care*, 1(2), 56-66. <http://ijec.ir/article-1-52-en.html> (In Persian)
- Kianichalmardi, A., Rashid, S., Honarmand, P., & Tamuk, F. (2018). A structural test of the interpersonal theory of suicide model in students. *Contemporary Psychology*, 1(1), 51-60.  
<http://dx.doi.org/10.32598/bjcp.13.1.50> (In Persian)
- Kliem, S., Lohmann, A., Mößle, T., & Brähler, E. (2017). German Beck Scale for Suicide ideation (BSS): psychometric properties from a representative population survey. *BMC Psychiatry*, 17(1), 389. <https://doi.org/10.1186/s12888-017-1559-9>
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling* (4<sup>th</sup> Ed.). Guilford Publications.
- Klonsky, E. D., & May, A. M. (2015). The three-step theory (3ST): A new theory of suicide rooted in the “ideation-to-action” framework. *International Journal of Cognitive Therapy*, 8(2), 114-129.  
<https://doi.org/10.1521/ijct.2015.8.2.114>
- Klonsky, E. D., Saffer, B. Y., & Bryan, C. J. (2018). Ideation-to-action theories of suicide: A conceptual and empirical update. *Current Opinion in Psychology*, 22, 38-43.  
<https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.07.020>
- Lai, K. W., & McBride-Chang, C. (2001). Suicidal ideation, parenting style, and family climate among hong kong adolescents. *International Journal of Psychology*, 36(2), 81-87. <https://doi.org/10.1080/00207590042000065>
- Lawshe, CH. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575. <https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.1975.tb01393.x>
- Laye-Gindhu, A., & Schonert-Reichl, K. A. (2005). Non suicidal self-harm among community

- adolescents: understanding the “whats” and “whys” of self-harm. *Journal of Youth and Adolescence*, 34(5), 447–457. <https://doi.org/10.1007/s10964-005-7262-z>
- Lloyd-Richardson, E. E., Hasking, P., Lewis, S., Hamza, C., McAllister, M., Baetens, I., & Muehlenkamp, J. (2020). Addressing self-injury in schools, Part 1: understanding non suicidal self-injury and the importance of respectful curiosity in supporting youth who engage in self-injury. *NASN School Nurse*, 35(2), 92–98. <https://doi.org/10.1177/1942602X19886381>
- Mehlum, L., Ramberg, M., Tørmoen, A. J., Haga, E., Diep, L. M., and Stanley, B. H., Miller, A. L., Sund, A. M., & Grøholt, B. (2016). Dialectical behaviour therapy compared with enhanced usual care for adolescents with repeated suicidal and self-harming behaviour: outcomes over a one-year follow-up. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 55(4), 295–300. <https://doi.org/10.1016/j.jaac.2016.01.005>
- Meyer, B., Enstorm, M. K., Harstveit, M., Bowles, D. P., & Beevers, C. G. (2007). Happiness and despair on the catwalk: need satisfaction, wellbeing, and personality adjustment among fashion models. *The Journal of Positive Psychology*, 2(1), 2-17. <https://doi.org/10.1080/17439760601076635>
- Meyers, L. S, Gamst, G., & Guarino, A. J. (2006). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. London: Sage Publication.
- Mitchell, S. M., Brown, S. L., Roush, J. F., Tucker, R. P., Cukrowicz, K. C., & Joiner, T. E. (2020). The interpersonal needs questionnaire: statistical considerations for improved clinical application. *Assessment*, 27(3), 621-637. <https://doi.org/10.1177/1073191118824660>
- Muehlenkamp, J., Claes, L., Havertape, L., & Plener, P. (2012). International prevalence of adolescent non-suicidal self-injury and deliberate self-harm. *Child Adolescent Psychiatry Mental Health*, 6, 10. <https://doi.org/10.1186/1753-2000-6-10>
- Mulaik, S. A., James, L. R., Van Alstine, J., Bennett, N., Lind, S., & Stilwell, C. D. (1989). Evaluation of goodness-of-fit indices for structural equation models. *Psychological Bulletin*, 105(3), 430–445. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.105.3.430>
- Ng, J. Y. Y., Ntoumanis, N., Thorgenson-Ntoumani, C., Deci, E. L., Ryan, R. M., Duda, J. L., & Williams, G. C. (2012). Self-determination theory applied to health contexts: A meta-analysis. *Perspectives on Psychological Science*, 7(4), 325–340. <https://doi.org/10.1177/1745691612447309>
- Nock, M. K. (2010). Self-injury. *Annual Review of Clinical Psychology*, 6(1), 339-363. <https://doi.org/10.1146/annurev.clinpsy.121208.131258>
- Nock, M. K., & Prinstein, M. J. (2004). A functional approach to the assessment of self-mutilative behavior. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72(5), 885-890. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.72.5.885>
- Nunes, F., & Mota, C. P. (2017). Parenting styles and suicidal ideation in adolescents: mediating effect of attachment. *Journal of Child and Family Studies*, 26(3), 734–747. <https://doi.org/10.1007/s10826-016-0611-6>
- O'Connor, R. C. (2011). The integrated motivational-volitional model of suicidal behavior [Editorial]. *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention*, 32(6), 295–298. <https://doi.org/10.1027/0227-5910/a000120>
- Olson, M. A., McNulty, J. K., March, D. S., Joiner, T. E., Rogers, M. L., & Hicks, L. L. (2022). Automatic and controlled antecedents of suicidal ideation and action: A dual-process conceptualization of suicidality. *Psychological Review*. 129(2), 388–414. <https://doi.org/10.1037/rev0000286>

- Opperman, K., Czyz, E. K., Gipson, P. Y., & King, C. A. (2015). Connectedness and perceived burdensomeness among adolescents at elevated suicide risk: An examination of the interpersonal theory of suicidal behavior. *Archives of Suicide Research: Official Journal of the International Academy for Suicide Research*, 19(3), 385–400. <https://doi.org/10.1080/13811118.2014.957451>
- Prinstein, M. J., Nock, M. K., Simon, V., Aikins, J. W., Cheah, C. S. L., & Spirito, A. (2008). Longitudinal trajectories and predictors of adolescent suicidal ideation and attempts following inpatient hospitalization. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 76(1), 92–103. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.76.1.92>
- Rahme, E., Low, N. C., Lamarre, S., Turecki, G., Bonin, J. P., Daneau, D., ... & Szkrumelak, N. (2015). Attempted suicide among students and young adults in montreal, quebec, canada: A retrospective cross-sectional study of hospitalized and non-hospitalized suicide attempts based on chart review. *Prim. Care Companion CNS Disord*, 17(5), 10.4088/PCC.15m01806. <https://doi.org/10.4088/PCC.15m01806>
- Rashid, S., Kiani, A. R., Khorramdel, K., Gholami, F., & Senobar, L. (2016). The relationship between interpersonal psychological theory of suicide constructs (loneliness, perceived social support, thwarted belongingness and burdensomeness) and suicidal behavior among iranian students. *Health Education & Health Promotion*, 4(2), 35-48. <http://hehp.modares.ac.ir/article-5-5037-en.html>
- Rowe, C. A., Walker, K. L., Britton, P. C., & Hirsch, J. K. (2013). The relationship between negative life events and suicidal behavior: moderating role of basic psychological needs. *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention*, 34(4), 233–241. <https://doi.org/10.1027/0227-5910/a000173>
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Press. <https://doi.org/10.1521/978.14625/28806>
- Sadati Firoozabadi, S., & Moltafet G. (2017). The Mediating Role of Satisfying Basic Psychological Needs on The Relationship Between Parenting Styles and Mental Health in Gifted Students. *Iranian Journal of Health Education Health Promotion*, 5(3), 203-212. <http://dx.doi.org/10.30699/acadpub.ijhehp.5.3.203> (In Persian)
- Sansone, R. A., & Wiederman, M. W. (2015) The self-harm inventory: A meta-analysis of its relationship to the personality diagnostic questionnaire-4 as a measure of borderline personality disorder. *International Journal of Psychiatry in Clinical Practice*, 19(4), 290-293. <https://doi.org/10.3109/13651501.2015.1074708>
- Sansone, R. A., Gage, M. D., & Wiederman, M. W. (1998). Investigation of borderline personality disorder among non-psychotic, involuntarily hospitalized clients. *Journal of Mental Health Counseling*, 20(2), 133-140.
- Sansone, R. A., Sellbom, M., & Songer, D. A. (2018). Borderline personality disorder and mental health care utilization: The role of self-harm. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 9(2), 188-191. <https://doi.org/10.1037/per0000245>
- Sansone, R. A., Wiederman, M. W., Sansone, L. A., & Touchet, B. (1998). An investigation of primary care patients receiving extended treatment with selective serotonin reuptake inhibitors. *The American Journal of Managed Care*, 4(10), 1397-1402. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/10338733/>
- Simioni, A. R., Pan, P. M., Gadelha, A., Manfro, G. G., Mari, J. J., Miguel, E.C., Rohde, L. A., & Salum, G. A. (2018). Prevalence, clinical correlates and maternal psychopathology of deliberate self-harm in children and early adolescents: results from a large community study. *Revista Brasileira de Psiquiatria*, 40(1), 48-55. <https://doi.org/10.1590/1516-4446-2016-2124>
- Skinner, E. A., Johnson, S., & Snyder, T. (2005). Six dimensions of parenting: A motivational model. *Parenting*, 5(2), 175-225. [https://doi.org/10.1207/s15327922par0502\\_3](https://doi.org/10.1207/s15327922par0502_3)

- Steuwe, C., Rullkötter, N., Ertl, V., Berg, M., Neuner, F., Beblo, T., & Driessen, M. (2016). Effectiveness and feasibility of narrative exposure therapy (NET) in patients with borderline personality disorder and post-traumatic stress disorder a pilot study. *BMC Psychiatry, 16*, 254. <https://doi.org/10.1186/s12888-016-0969-4>
- Stewart, S. M., Eaddy, M., Horton, S. E., Hughes, J., & Kennard, B. (2017). The validity of the interpersonal theory of suicide in adolescence: A review. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 46*(3), 437–449. <https://doi.org/10.1080/15374416.2015.1020542>
- Störkel, L. M., Karabatsiakos, A., Hepp, J., Kolassa, I. T., Schmahl, C., and Niedtfeld, I. (2021). Salivary beta-endorphin in non-suicidal self-injury: An ambulatory assessment study. *Neuropsychopharmacology, 46*(7), 1357 – 1363. <https://doi.org/10.1038/s41386-020-00914-2>
- Sultan, N., & Javed, Z. (2020). Parenting styles and suicidal ideation in Pakistani adolescents. *Journal of Professional and Applied Psychology, 1*(2), 53-61. <https://doi.org/10.52053/jpap.v1i2.9>
- Swannell, S. V., Martin, G. E., Page, A., Hasking, P., & John, N. J. (2014). Prevalence of non-suicidal self-injury in non-clinical samples: systematic review, meta-analysis and meta-regression. *Suicide & Life-Threatening Behavior, 44*(3), 273-303. <https://doi.org/10.1111/sltb.12070>
- Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2016). *Using multivariate statistics* (6<sup>th</sup> ed.). Translated by, Pashasharifi, H et al. Tehran: Roshd Pub. (In Persian)
- Tahbaz-Hosseinzadeh, S., Ghorbani, N., & Nabavi, S. M. (2012). Comparison of self-destructive personality tendency and coherent self-knowledge in patients with multiple sclerosis and healthy people. *Contemporary Psychology, 6*(2), 44-35. <https://bjcp.ir/article-1-40-en.html> (In Persian)
- Van Orden, K. A., Witte, T. K., Cukrowicz, K. C., Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Joiner, T. E., Jr. (2010). The interpersonal theory of suicide. *Psychological Review, 117*(2), 575-600. <https://doi.org/10.1037/a0018697>
- Van Orden, K. A., Witte, T. K., Gordon, K. H., Bender, T. W., & Joiner, T. E. (2008). Suicidal desire and the capability for suicide: tests of the interpersonal-psychological theory of suicidal behavior among adults. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 76*(1), 72–83. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.76.1.72>
- Van Orden, K.A., Cukrowicz, K. C., Witte, T. K., & Joiner, T. E. (2012). Thwarted belongingness and perceived burdensomeness; construct validity and psychometric properties of the interpersonal needs questionnaire. *Psychological Assessment, 24*(1), 197-215. <https://doi.org/10.1037/a0025358>
- Vansteenkiste, M., & Ryan, R. M. (2013). On psychological growth and vulnerability: Basic psychological need satisfaction and need frustration as a unifying principle. *Journal of Psychotherapy Integration, 23*(3): 263–280. <https://doi.org/10.1037/a0032359>
- Vansteenkiste, M., Lens, W., Soenens, B., & Luyckx, K. (2006). Autonomy and relatedness among chinese sojourners and applicants: conflictual or independent predictors of well-being and adjustment? *Motivation and Emotion, 30*(4), 273–282. <https://doi.org/10.1007/s11031-006-9041-x>
- Wei, M., Shaffer, P. A., Young, S. K., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, shame, depression, and loneliness: The mediation role of basic psychological needs satisfaction. *Journal of Counseling Psychology, 52*(4), 591–601. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.52.4.591>
- Whitlock, J. L., & Selekman, M. (2014). Non-suicidal self-injury (NSSI) across the lifespan. In M. Nock (Ed.), *Oxford handbook of suicide and self-injury* (pp. 133–151). New York, NY: Oxford Library of Psychology, Oxford University Press.
- Zahedi Tajrishi, K., Besharat, M. A., Pourbohloul, S., & Larijani, R. (2011). Psychometric properties of a Farsi version of the basic needs satisfaction in general scale in a sample of Iranian population. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 30*, 221–225. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.10.044>

Zinchuk, Z., Beghi, M., Beghi, E., Bianchi, E., Avedisova, A., Yakovlev, A., & Guekht, A. (2020): Non-suicidal self-injury in Russian patients with suicidal ideation. *Archives of Suicide Research*, 26(2), 776-800. <https://doi.org/10.1080/13811118.2020.1833801>